



نشریه علمی - تخصصی بنیاد اندیشه  
سال دوم، شماره ششم، زمستان ۱۳۹۵

## ویژه شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری<sup>(ره)</sup>

صاحب امتیاز: بنیاد اندیشه

مدیرمسئول: داکتر محمدامین احمدی

معاون مدیرمسئول: داکتر امان‌الله فصیحی

سرمدیر: داکتر فرید خروش

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):  
مدعلی عزیززاده، دین محمد جاوید، داکتر زکیه  
دلی، عبدالحمید عارفی، داکتر عبدالله شفاپی،  
علی امیری، داکتر علی محمد میرزایی، داکتر  
سلام‌سخی احسانی، قربانعلی انصاری، محمد  
رسلی غرجستانی، داکتر محمدجواد صالحی،  
محمدسرور جوادی، داکتر محمدشفق خواتی،  
داکتر محمدعلی جوایا، محمد هدایت.

مدیر اجرایی: رشید محمدی

ویراستار: محمدقاسم الیاسی ترگانی

طراح جلد: هادی مروج

صفحه‌آرا: علی جمعه محمدی

نامه اندیشه معاصر در ویرایش مطالب آزاد است.  
ت طرح‌شده در مقالات الزاماً دیدگاه فصلنامه  
نه معاصر نیست.

حقوق مادی و معنوی فصلنامه اندیشه معاصر  
بنیاد اندیشه محفوظ است.

اده از مطالب فصلنامه اندیشه معاصر فقط با ذکر  
مجاز است.

قیمت: ۲۰۰ افغانی

## راهنمای تهیه و تنظیم مقالات جهت انتشار در فصلنامه بنیاد اندیشه (الف) شرایط عمومی مقالات

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، روش‌مند، مستند و مستدل بوده یا قلمی روان و رسا نگارش یافته باشند.
۲. مقالات ارسالی حتی‌الامکان تایپ شده و به اداره فصلنامه بنیاد اندیشه ارسال شود و یا فایل آن از طریق پست الکترونیکی به نشانی اینترنتی مجله اندیشه ایمیل گردد.
۳. حجم مقالات حداقل در ۳۰۰۰ کلمه و حداکثر در ۸۰۰۰ کلمه تنظیم شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و تخلص، رتبه علمی، تحصیلات، ایمیل و شماره تلفون تماس همراه با مقاله ارسال شود. مقالات کتابخانه‌ای دارای یک نویسنده و مقالات تحریبی یا ساحوی می‌تواند بیشتر از یک نویسنده داشته باشد.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی، خارجی، سایت و یا به عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند.
۶. با مقالات ترجمه شده، اصل آن نیز ضمیمه شود.

## (ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید دارای ساختار علمی باشند؛ یعنی دارای عنوان، مشخصات نویسنده یا نویسندگان، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، قسمت اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله حداکثر ۱۵۰-۱۷۰ کلمه تنظیم گردد. چکیده باید به اختصار شامل: بیان مسأله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خود داری گردد.

۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاگر نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.

۳. مقدمه: مقدمه مقاله به بیان مسأله تحقیق، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، اهداف، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی از ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی طرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله اختصاص می‌یابد.

۴. قسمت اصلی مقاله: چارچوب نظری یا مفهومی، روش تحقیق، مواد شامل شواهد، مدارک، استدلال، تحلیل و نقد و بررسی.

۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود و از ذکر بیان مسأله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، چارچوب نظری، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. نحوه ارجاع دهی

درون متنی: (تخلص، سال انتشار: شماره صفحه) برای مثال: (محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۰)

## (ج) فهرست منابع

۱. کتاب: تخلص، نام (سال انتشار)، عنوان اثر، نام و تخلص مترجم، محل نشر: ناشر.
۲. مجله: تخلص، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام و تخلص مترجم، نام مجله، سال انتشار، (شماره مجله): صفحات مقاله.

■ ضرورت بازخوانی اندیشه شهید مزاری و مسؤولیت ما / داکتر فرید خروش / ۳

### الف: شخصیت و جایگاه شهید مزاری

- احیای امر (سیاسی اشاره‌ای به سرشت مبارزات سیاسی رهبر شهید عبدالعلی مزاری) / علی امیری / ۱۱
- رمز جاودانگی رهبر شهید حجت‌الاسلام و المسلمین استاد عبدالعلی مزاری<sup>(ه)</sup> / داکتر محمد آصف محسنی حکمت / ۲۷
- مزاری؛ کاریزما، اخلاق و جاودانگی / داکتر قربانعلی فکرت لعلی / ۵۵
- صلح در افغانستان در اندیشه شهید مزاری / محمدعلی اخلاصی / ۷۳
- کارنامه و میراث شهید مزاری / محمدجواد اصغری / ۹۷
- مزاری؛ بیرق‌دار جنبش عدالت‌خواهی در افغانستان / امین‌الله امینی / ۱۲۹
- نمایه‌ای از آثار مکتوب در باره رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری<sup>(ه)</sup> / عبدالقیوم آیتی / ۱۷۳

### ب: شهید مزاری و گفتمان وحدت ملی

- بنیان‌ها و شاخص‌های وحدت ملی در دیدگاه شهید مزاری / داکتر امان‌الله فصیحی / ۲۳۱
- تقابل گفتمان وحدت ملی مزاری با استبداد فسیلی / داکتر قربانعلی هادی / ۲۶۱
- شهید مزاری، راه‌کارهای تحقق وحدت ملی و موانع آن / سلمان نوری / ۳۰۳
- هویت ملی از دیدگاه شهید وحدت ملی / محمداسحاق عارفی / ۳۱۷
- شهید مزاری؛ فدرالیسم، به‌مثابه گزینه مطلوب حکومت‌داری / داکتر غلام‌سخنی احسانی / ۳۳۳

### ج: عدالت‌طلبی و برابری خواهی

- بررسی جنبش عدالت‌طلبانه «شهید مزاری» بر بنیاد «نظریه محرومیت نسبی» / محمد توسلی غرjestانی / ۳۶۵
- حق و عدالت در اندیشه سیاسی و گفتمان شهید مزاری / احمدعلی علیزاده / ۳۸۹
- حق برابری اقوام از دیدگاه شهید وحدت ملی / عبدالحمید عارفی / ۴۲۱
- عدالت اجتماعی در اندیشه شهید مزاری<sup>(ه)</sup> / عبدالقیوم آیتی / ۴۳۵
- عدالت سیاسی در اندیشه شهید مزاری / محمدعلی حامدی / ۴۶۳
- جایگاه اجتماعی زن در «گفتمان عدالت‌خواهانه» شهید مزاری<sup>(ه)</sup> / عمران حلیمی / ۴۸۳
- شهید وحدت ملی (گزارشی از روند اعطای لقب شهید وحدت ملی به رهبر شهید استاد مزاری) / محمد هدایت / ۴۹۹

## ضرورت بازخوانی اندیشه شهید مزاری و

### مسئولیت ما

تأثیرگذاری اندیشه شهید مزاری بر سیاست افغانستان پسا طالبان و میراثی که او از خود بر جای نهاده، یک ضلع از سیاست امروز افغانستان را تشکیل می‌دهد. تفکیک ارزش‌های سیاسی و اجتماعی که قوام و دوام نظام سیاسی فعلی افغانستان را تضمین کرده است، از مجموعه ارزش‌ها و معیارهایی که مزاری به خاطر آن مبارزه کرد و جانش را از دست داد، امکان‌پذیر نیست. در یک چشم‌انداز بلندمدت از آینده افغانستان نیز، هیچ نظام سیاسی بدون به کارگیری ارزش‌های مطرح شده توسط مزاری به ثبات نخواهد رسید. چنانکه در حال حاضر نیز «دولت وحدت ملی» در عمل بر مبنای همان طرحی استوار است که شهید مزاری در ابتدای حکومت مجاهدین آن را به عنوان یک راه‌حل مناسب برای حل منازعه افغانستان پیشنهاد کرده بود. از همین منظر است که ارزیابی و تحلیل کارنامه شهید مزاری یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. این اجتناب‌ناپذیری قطعاً بدان معنا نیست که تنها قومی که مزاری به آن تعلق دارد، اندیشه و کارنامه او را تفسیر و تحلیل کنند. ارزش‌هایی که مزاری به خاطر آنها شهید شد، افغانستان‌شمول و فراتر از معیارهای تنگ قومی قابل تعریف و تبیین است. بنابراین، این بازخوانی نیز باید همه‌شمول و قابل تعمیم در سطح افغانستان باشد.

ورود به بحث در مورد رهبر شهید استاد مزاری را می‌توان با این پرسش بنیادی شروع کرد: چرا مهم است که اندیشه، کارنامه و جایگاه شهید مزاری مورد ارزیابی و تحلیل قرار

برای جواب به این پرسش باید تأثیرگذاری اندیشه و عملکرد مزاری را بر فاکتورهای ذیل تحلیل و ارزیابی کرد:

## ۱. ایستادگی در برابر استبداد تاریخی

حتی انفجار آگاهی در قرن بیستم و بیست‌ویکم نتوانسته است خوی استبدادی قدرت در افغانستان را مهار کند. آنچه که ما امروز از سیاست و سیاست‌ورزی افغانستان می‌شناسیم، تنها روبنایی است از یک زیربنای به شدت استبدادزده که با نگرش‌های قومی و قبیله‌ای درهم آمیخته و نتیجه آن شمشیری همیشه بُرانی شده بر گردن مردم افغانستان. نکته مهم اما این است که شمشیر استبداد مطلق حکومت‌های افغانستان تفاوت‌های قومی، مذهبی و سمتی را معیاری برای چرخش خود در نظر نگرفته است. تجربه تاریخی ثابت کرده است که این شمشیر مهارناپذیر، فراتر از قوم و تبار، تمام کسانی را که در برابرش قد برافراشته، گردن زده است. با در نظر داشت همین پس‌زمینه است که سه سال مقاومت شهید مزاری در برابر میراث استبداد تاریخی افغانستان اهمیت اساسی پیدا می‌کند. واقعیت این است که شهید مزاری پیش از اینکه حقوق مردمش را مطالبه کند، در برابر ذات استبدادزده سیاست افغانستان ایستاد تا سیاست و قدرت انسانی شود. تنها در بستر انسانی شدن سیاست است که مفهوم «شهروندی» خلق می‌شود و تنها با شکل‌گیری این مفهوم است که تفاوت‌های تباری و مذهبی دستمایه بهره‌برداری خوی استبدادی حکومت قرار نمی‌گیرد. مزاری به همان میزانی که می‌خواست پنجه‌های فولادین استبداد تاریخی از گلوی هزاره برداشته شود، به همان اندازه تلاش کرد تا گلوی پشتون، تاجیک، ازبک و سایر اقلیت‌های قومی نیز از چنگال استبداد مطلقه رها شود. به همین سبب است که می‌گوییم تبیین و تحلیل اندیشه شهید مزاری در چارچوب‌های تنگ قومی، تقلیل و فروکاستن اهمیت اندیشه و کارنامه او است و این جفایی است مضاعف در حق او.

## ۲. نفی تبعیض و انحصار قدرت

تبعیض سیستماتیک و قومی شدن قدرت سیاسی تنها در زمان امیر عبدالرحمن ایجاد نشد. ریشه این تبعیض به زمانی برمی‌گردد که جغرافیایی به نام افغانستان با شالوده‌ای از انحصار خاندانی و طایفه‌ای متولد شد. انحصار و قومی شدن قدرت در زمان امیر عبدالرحمن تنها به اوج خودش رسید و به یک هیولای مهارنشده تبدیل گردید. تبعیض قومی که امیر عبدالرحمن آن را ساختارمند کرد، آنقدر لایه‌های پیدا و پنهان سیاست افغانستان را متأثر ساخت که تمام اُخلاف او تا زمان امارت اسلامی طالبان، آن را طبیعی‌ترین جوهر سیاست و قدرت در افغانستان می‌پنداشتند. اما بر ایند نهایی اینگونه تلقی از قدرت به فاجعه‌ای منتهی شده است که هیچ گروه قومی از آن بی‌بهره نمانده است.

برای کارنامه شهید مزاری اگر یک گرانی‌گاه قایل باشیم، این مرکز ثقل همان ایستادگی شهید مزاری در برابر تبعیض و انحصار قدرت است. رهبری شهید مزاری در دوره‌ای که تمام قدرت در برابر تبعیض و انحصار قومی ایستاد، کوتاه بود. اما تأثیرگذاری این ایستادگی آنقدر عظیم بود که تکانه‌های آن معادله یک‌جانبه قدرت را در افغانستان دگرگون ساخت و یک تعریف جدید مشارکتی از ساختار قدرت در افغانستان ارائه کرد. در شرایط سیاسی آن روز، برای شهید مزاری جهت ایجاد گسست در ساختار قومی قدرت دو مسیر وجود داشت. مسیر اول همراهی با دولت آن زمان بود که خودش در قامت یک انحصارطلب جدید ظاهر شده بود. مسیر دوم پافشاری بر خواسته‌های برابری خواهانه‌ای بود که پیامد آن تحمیل جنگ ویرانگر سه ساله بر غرب کابل بود. مزاری به خوبی دریافته بود که برای تغییر معادله قدرت، افغانستان در یک مقطع و گسست مهم تاریخی قرار گرفته است. بنابراین او مسیر دوم را انتخاب کرد. جنگ سه ساله‌ای که بعد از آن شروع شد، به لحاظ انسانی و اقتصادی هزینه سنگینی را بر دوش مردم ما تحمیل کرد، اما همین بهای سنگین به مثابه زلزله‌ای بود که اقوام محروم را از انجماد حاصل از انزوای سه‌صدساله خارج کرد. اهمیت رهبری شهید مزاری دقیقاً در همین است که توانست با مقاومت سرسختانه‌اش در یک جنگ نابرابر، اعتماد به نفس اجتماعی از دست رفته مردمش را به آنها بازگرداند. بعد از سرکوب امیر عبدالرحمن،

اقوام تحت ستم افغانستان برای نخستین بار این توان را در خود احساس می‌کردند که می‌توانند در قلب پایتخت به مدت سه سال در برابر نیروی حکومت از خود دفاع کنند. به این ترتیب، مزاری خیزش حق‌طلبانه‌ای را رهبری کرد که فرجام آن ایجاد گسست در دیوارهٔ انحصار قدرت قومی و مشارکت همه اقوام در ساختار حکومت بود. بنابراین، در جواب به آن پرسش نخستین می‌توان گفت، بازخوانی، تحلیل و ارزیابی اندیشهٔ مردی که بخشی از اقوام محروم کشور امروزه خود را مدیون مقاومت و رهبری او می‌دانند، یک مسؤلیت و ضرورت اساسی است که باید به صورت عمیق و تخصصی صورت گیرد.

### ۳. معمار گفتمان «وحدت ملی» و «عدالت اجتماعی»

شهید مزاری را می‌توان معمار واقعی وحدت ملی و عدالت اجتماعی در افغانستان دانست. وحدت ملی و عدالت اجتماعی دو مفهوم بنیادی است که توسط شهید مزاری وارد ادبیات سیاسی افغانستان شده است. بیست و پنج سال پیش زمانی که عطش انحصار قدرت افغانستان را به سمت فاجعه سوق داد، برای نخستین بار این شهید مزاری بود که «وحدت ملی را یک اصل دانست» و طرح تأسیس حکومت وحدت ملی را مطرح کرد. حکومت وحدت ملی که منظور نظر شهید مزاری بود، چیزی جز مشارکت عادلانهٔ همه اقوام و گروه‌های سیاسی در ساختار قدرت نبود. شهید مزاری خود این فرصت را نیافت تا در عمل به معماری ساختار حکومت وحدت ملی نقش ایفا کند، اما ۲۲ سال پس از شهادت او، زمانی که حکومت مشارکتی افغانستان با بن‌بست سیاسی روبرو شد، به همان راه‌حلی متوسل شد که شهید مزاری آن را پیشنهاد کرده بود. راه‌حل تشکیل حکومت وحدت ملی که سه سال پیش افغانستان را از انسداد سیاسی نجات داد، اگر در همان ابتدای حکومت مجاهدین تطبیق می‌شد، افغانستان نه ویرانی جنگ‌های داخلی را تجربه می‌کرد و نه نیروی ویرانگری به نام طالبان پدید می‌آمد.

\*\*\*

در میان رهبران سیاسی افغانستان، رهبر شهید استاد مزاری از یک نظر استثناء است:

برای کمتر رهبر سیاسی بعد از شهادت یا درگذشتش به اندازه شهید مزاری محتوا تولید شده است. علاوه بر حجم و تنوع، محتوای تولید شده برای شهید مزاری، یک شاخص دیگر نیز داشته است و آن اینکه بعد از گذشت ۲۲ سال از شهادتش، این تولید محتوا کاهش نیافته است.

محتوایی که طی ۲۲ سال گذشته در راستای بازخوانی و تحلیل اندیشه و کارکرد رهبر شهید تولید شده، به سه دسته قابل طبقه‌بندی است: شعر و ادبیات، تحلیل‌های سیاسی - روزنامه‌ای و مقالات تحلیلی و تخصصی. اما از بین این نوشته‌ها مقالات تحلیلی - تخصصی منتشر شده برای شهید مزاری مقالاتی هست که به صورت عمیق و کارشناسانه اندیشه، کارنامه، تاثیرگذاری و جایگاه رهبر شهید را تحلیل و ارزیابی کرده است. این دسته از نوشته‌ها عمدتاً در مجلات تخصصی، ویژه‌نامه‌ها و سمینارهایی که به مناسبت سالگرد رهبر شهید دایر شده، منتشر شده است.

اگر تمام نوشته‌هایی که طی ۲۲ سال گذشته در مورد شهید مزاری منتشر شده در نظر گرفته شود، حجم قابل توجهی را در بر می‌گیرد. به لحاظ کیفیت نیز در میان آنان نوشته‌های خوبی وجود دارد که برای تحقیق و پژوهش راجع به کارنامه شهید مزاری می‌توانند منابع ارزنده‌ای باشند. اما در کنار همه این ویژگی‌های مثبت، این نوشته‌ها برای تبیین اندیشه و کارنامه شهید مزاری کافی نبوده و علاوه بر این، نوشته‌های یادشده به صورت منسجم، ساختارمند و سازمان‌یافته منتشر نشده است. با بودن کمیّت قابل توجهی از مقالات تخصصی، ما تا هنوز یک مجموعه ساختارمند از این نوشته‌ها را در اختیار نداریم. بنابراین جای خالی یک مجموعه منسجم و سازمان‌یافته از مقالات تخصصی که به صورت تفکیک شده اندیشه، جایگاه، کارنامه و تاثیرگذاری سیاسی شهید مزاری را تحلیل و ارزیابی کرده باشد، خالی بوده است.

در یک‌ونیم سالی که پنج شماره از فصلنامه اندیشه معاصر منتشر شده است، یکی از اهداف اساسی بنیاد اندیشه این بوده که هر شماره آن را به یک موضوع محوری اختصاص

دهد. حاصل کار ما انتشار پنج شماره مجله در پنج محور اساسی بوده با عناوین «دین و قدرت»، «انتخابات»، «مطالعات حقوقی»، «سیاست و حکومت‌داری» و «مطالعات زنان». یکی از مهمترین مباحثی که امروزه اساس و محور سیاسی جامعه ما را تشکیل می‌دهد، اندیشه و کارنامه سیاسی شهید مزاری و میراث سیاسی برجای مانده از او است. با توجه به اهمیت این موضوع، سال گذشته از همان ابتدا به گونه‌ای برنامه‌ریزی شد که شماره ششم فصلنامه اندیشه معاصر که در فصل زمستان و همزمان با بیست و دومین سالگرد شهادت رهبر شهید استاد مزاری منتشر خواهد شد، به تحلیل تخصصی کارنامه شهید مزاری اختصاص پیدا کند. خوشبختانه این ایده مورد استقبال اساتید، نویسندگان و اندیشه‌ورزان نیز قرار گرفت و حاصل کار همین مجموعه‌ای است که پیش روی شما قرار دارد.

سردبیر